

گفت‌وگو با «افشین پیرهاشمی» تهیه‌کننده آلبوم «آخرین دیدار»:

سبک موردپسندم در ایران وجود ندارد

مرتضی محسن‌پور



عکس: مهدی حسینی، شرق

این صداها به صدایی جهانی تبدیل نشده است.

❖ **رضا یزدانی صدایی مختص خودش دارد و شما با او هم رفافت دارید.**

درست است؟

بله اما ایشان مدام در حال تکرار است چون با افراد محدودی کار می‌کند. من صدای ایشان را خیلی دوست دارم اما این صدا را به صدایی جهانی تبدیل نمی‌کند. گاهی اوقات هم کارهای خیلی خوبی ارایه می‌دهد. در کار موسیقی مهم است که فرد با چه کسانی کار کند.

❖ **تا جایی که می‌دانم آلبوم «آخرین دیدار» زمان زیادی نیست وارد بازار شده...**

کار، زودتر از این هم می‌توانست وارد بازار شود اما در زمان مناسبی عرضه

در موسیقی ما فضایی وجود ندارد که کسی بتواند زندگی‌اش را از این راه بگذراند چون افراد خیلی مهم در طول سال بیش از چند کنسرت نمی‌توانند برگزار کنند. در حالی که در خارج از کشور خیلی از هنرمندان هر شب در حال خواندن در جاهای دیگر هستند و چندین برابر درآمد دارند. این کار یکی از پردرآمدترین کارهای دنیاست اما در ایران این‌طور نیست

کامران عطا خواننده آلبوم «آخرین دیدار»:

نمی‌خواهم صدایم شبیه کسی باشد

مرجان صانینی

هم‌زمان با انتشار آلبوم اولم این سبک‌ها دیگر عادی شده‌بود. با چنین پس زمینه‌ای تلاش کردم چیدمان ۱۲ آهنگ آلبوم جدید را به گونه‌ای انجام دهم که ماحصل کار، تکراری نباشد. از لحاظ کیفیت موسیقی پاپ سعی کردم بهترین نوازندگان و آهنگسازان را انتخاب کنم.

❖ **حالا که آلبوم دوم منتشر شده به فکر اجرای صحنه‌ای نیستید؟**

همان‌طور که می‌دانید، خوانندگان موسیقی ابتدا باید دو آلبوم را منتشر کنند تا مجوز اجرای صحنه‌ای را بگیرند. البته تا به حال دو اجرای زنده به نفع موسسه خبریه محک و بهنام دهش‌پور داشتم. یک‌بار هم در دویی با یک گروه انگلیسی همکاری کردم. تصمیم دارم اگر امکانش فراهم شد، نوروز اولین اجرای زنده را روی صحنه ببرم.

❖ **آهنگسازی کار بر عهده چه کسی بوده است؟**

در آلبوم اول به‌عهده خودم بود، ولی چون می‌خواستم آلبوم جدیدم مثل آلبوم قبل نشود، با پویا نیک‌پور، مهران خلیلی، امیرعباس حسن‌زاده که همگی در کار خودشان بهترین هستند همکاری کردم. ملودی‌ها را با هم درست کردیم و تنظیم هم بر عهده منوچهر ساحلی بوده، این یک کار گروهی بود.

❖ **این ترکیب را چطور شناختید و کنار هم چیدید؟**

ما در ایران نوازنده حرفه‌ای، به‌خصوص نوازنده بیس خوب کم داریم. بابک ریاحی‌پور و دارا دارایی قلم‌چازم‌مهم‌ترین آنها هستند. گروهی که افتخار همکاری به من دادند واقعاً‌ی نظیر نبودند و در کار خودشان استادند. این برایم خیلی مهم بود. پاشا یثربی تنظیم‌کننده بسیار خوبی است. خوشحالم توانستم گروهی را تشکیل



موسیقی

گفت‌وگو با «افشین پیرهاشمی» تهیه‌کننده آلبوم «آخرین دیدار»:

سبک موردپسندم در ایران وجود ندارد

نشد. با این حال مجید محسنی کار را وارد بازار کرد و پخش، آن‌قدر خوب انجام شد که جای تشکر از ایشان هست.

❖ **چه نقطه تمایزی بین این اثر و آثار مشابه در حوزه موسیقی پاپ وجود دارد؟**

علاوه بر کیفیت بالا، طراحی جلد آن مانند دیگر آلبوم‌ها فضای تیره‌ای ندارد. چندی پیش آلبومی از یک خواننده پخش شد که آن را با DVD فیلم‌های هالیوودی اشتباه می‌گرفتند. بعضی وقت‌ها CDها را با بازی‌های رایانه‌ای اشتباه می‌گیرند!

❖ **به نظرم بخشی از موفقیت این آلبوم به دلیل تعامل خوب شما با خواننده بوده است؛ هرچند در کشور ما تهیه‌کنندگی عواید فرهنگی و هنری ندارد. به ندرت دیده شده یک تهیه‌کننده، دوربین به دست دنبال‌کار عکاسی برای روی جلد آلبومی برود. حال که وارد عرصه تهیه‌کنندگی موسیقی شده‌اید می‌خواهید این کار را ادامه دهید؟**

حتما ادامه می‌دهم. کامران عطا جزو خوانندگانی است که از کار با ایشان خوشحال می‌شوم. البته خوب است در پروژه بعدی‌اش تعداد آهنگ‌های کمتری را با افراد مهم کار کند. این کارها هنوز قدیمی نشده است. من کارهایی را شنیده‌ام که وقتی بعد از چند سال وارد بازار شده‌اند دیگر قدیمی‌اند. شک ندارم کامران عطا حتی این استعداد را دارد که سوپرستار شود، اما این کار زمان‌بر است.

❖ **دشواری‌های کار خوانندگان و آهنگسازان موسیقی از نظر شما چیست؟**

متأسفانه موزیسین‌های ما ناچارند یک شغل دیگر هم داشته باشند؛ چون تنها با انتشار یک آلبوم نمی‌توانند امرامعاش کنند. البته در همه زمینه‌ها این‌طور است. وضعیت در نقاشی البته متفاوت است، چند ماه پیش خالد صماووی، گالری‌دار من در دویی، آثار را در «آرت آپولویی» شرکت داد. او روی کار من قیمت بالایی گذاشت که من به آن اعتراض کردم. به من گفت تو برو نقاشی‌ات را انجام بده ببینس هنر با من! من هم به آقای عطا همین کار گفتم. از او خواستم که فقط بخواند و بقیه کارها را به من محول کند. البته کار ایشان در میان CDهای دیگر خیلی شاخص است و دیده می‌شود. اگر ایشان در جایی چون دویی زندگی می‌کرد با همین دو CD، لازم نبود کار دیگری انجام دهد. کلا در موسیقی ما فضایی وجود ندارد که کسی بتواند زندگی‌اش را از این راه بگذراند چون افراد خیلی مهم در طول سال بیش از چند کنسرت نمی‌توانند برگزار کنند. در حالی که در خارج از کشور خیلی از هنرمندان هر شب در حال خواندن در جاهای دیگر هستند و چندین برابر درآمد دارند. این کار یکی از پردرآمدترین کارهای دنیاست اما در ایران این‌طور نیست.

❖ **شما در کار نقاشی یک «چهره» هستید. فکر می‌کنید چهره شدن در موسیقی سخت‌تر است؟**

بله خیلی سخت‌تر است. کار ما از نظر تکنیکی سخت است اما در موسیقی هر کسی که می‌خواهد می‌تواند CD ضبط کند. ممکن است یک فرد به سرمایه‌ای وصل باشد یا با آگهی‌های آنجانی سوپرستار شود. ممکن است شما از من خوشتان نیاید اما من کاری انجام دهم که سوپرستار شوم. شما مجبور می‌شوید با من قرارداد ببندید تا من کارتان را تبلیغ کنم. افراد سعی می‌کنند خوششان را به سوپرستارها وصل کنند تا زندگی‌شان متحول شود.

❖ **می‌خواهید کار تهیه‌کنندگی را ادامه دهید؟**

حتما همین‌طور خواهد بود. از سال‌ها پیش من تصمیم داشتم اگر روزی از راه هنر درآمد داشته باشم ۲۰ درصد آن را در این راه هزینه کنم.

❖ **چه پشتوانه دهنی در این کار دارید؟**

در این راه سختی کشیده‌ام تا توانستم از این کار کسب درآمد کنم.

ملودی

به بهانه انتشار آلبوم آخرین دیدار

نزدیک به استانداردهای موسیقی اروپا

❖ **پویا نیک‌پور نوازنده و آهنگساز**



آشنایی من و کامران عطا به حدود سال‌های ۸۱-۸۰ برمی‌گردد. او را در دفتر یکی از دوستانم دیدم و از صدایش خوشم آمد. در آن زمان کاری را آماده کرده بودم که کامران بخواند، اما گویا قسمت نبود با او در آن زمان همکاری کنم. البته در طول این مدت کارهای گذشته را با هم مرور کردیم و در نهایت هم همکاری‌مان منجر شد به نوازندگی من در آلبوم «آخرین دیدار».

کار کامران عطا با کارهای موجود در بازار موسیقی تفاوت عمده‌ای از جهت کلاس موسیقی دارد. این آلبوم نزدیک به استانداردهای موسیقی اروپا و کشورهای رو به توسعه است و در موسیقی ایران از این دست کارها کمتر سراغ داریم. امر این به شنوندگان خاص کمک می‌کند تا موسیقی مورد نظر خود را گوش دهند. کامران عطا این کار را در آلبوم قبلی‌اش هم انجام داده است. باید گفت از ویژگی‌های خوب او در موسیقی همین موضوع است. «آخرین دیدار»، سبکی شبیه به موسیقی دهه ۹۰ میلادی در کشورهایی چون انگلیس و آمریکا دارد. هنرمندانی که در آلبوم «آخرین دیدار» حضور دارند، همگی افرادی هستند که در دو دهه اخیر امتحان خود را به خوبی در جامعه موسیقایی ایران پس داده‌اند.

به نظرم آلبوم کامران عطا از نظر رتبه‌بندی و با توجه به شرایط، امکانات و محدودیت‌هایی که در این مدت با آن مواجه بوده، در جایگاه خوبی قرار می‌گیرد. همچنین این اثر به لحاظ کیفیت، آلبوم خوب و معقولی است؛ هر چند کیفیت کار از این هم می‌توانست بالاتر باشد و ترانه‌ها می‌توانستند معانی بهتری داشته باشند. آنچه باید گفت این است، که سبک کار کسانی چون کامران عطا، سبکی نیست که در بازار موسیقی، فروشی چند صد هزار نسخه‌ای داشته باشد. افرادی که این نوع موسیقی را گوش می‌دهند، غالبا از افراد تحصیل کرده و در طبقه متوسط به بالای جامعه قرار دارند. طبیعتا برای ارضای این افراد نیز باید کارهایی از این دست انجام پذیرد. به‌عنوان یک سلول از بدنه جامعه موسیقی اعتقاد دارم، متأسفانه چنین سبکی آنچنان در جامعه ما جا نمی‌افتد و به همین میزان هم که حضور دارد، احتمال از میان رفتنش هست. در حال حاضر کسانی که عموم جامعه، موسیقی آنها را تایید می‌کند دچار مشکل هستند؛ چه برسد به کسانی که با بودجه محدود خود می‌خواهند فرهنگ‌سازی کنند. نکته دیگر حضور «افشین پیرهاشمی» در این آلبوم است. این فرد ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد یک جوان ایرانی با قابلیت مطرح شدن در عرصه بین‌الملل است.

آشنایی افشین پیرهاشمی و کامران عطا در جهت پیشبرد آلبوم کمک فراوانی را انجام داد. این اتفاق خیلی خوبی است که هنرمندی از یک رشته دهنده هنری در تولید یک آلبوم موسیقی نقش داشته باشد. مطمئنا نگاه ایشان (افشین پیر هاشمی، نگاه مالی نیست. از آنجا که ما در مهم‌ترین فرآیند ارایه آلبوم، یعنی سیستم پخش دچار ضعف هستیم، حضور چنین افرادی در صنعت موسیقی کمک فراوانی به ما می‌کند. در انتها به کامران عطا برای این آلبوم خسته نباشید می‌گویم. او در طول چند سال اخیر با انرژی و اراده خوب و فراوان، در حال حرکت رویه‌جولوست. تنها انتقاد و درخواست من از کامران عطا این است که در بخش ترانه‌ها ارتقا بیشتری داشته باشند و در عین حال سعی کند تا از موسیقی تالیفی ایرانی در کارهای آتی خود بهره ببرد.

نوانیس

نگاهی به آلبوم آخرین دیدار اثر «کامران عطا»

امید که آخرین نباشد

نیما توسلی

در این اوضاع و احوالی که داریم، در این زمانی که موسیقی ایران به کلی راه و عزم خود را برای تحول از دست داده، آنچنان نمی‌توان در زمینه یک آلبوم موسیقی یا یک کنسرت چه خوب و چه بد، چه خلاقانه و چه سطح پایین و نازل سخنی به میان آورد. اشتباه نکنید. دچار یاس فلسفی نشده‌ام اما نتایج و تجربیات بیش از ۲۰ سال گوش دادن جدی به موسیقی و مقایسه آن با اصواتی که امروز می‌شنویم و نیز جایگاه موسیقی، چه پاپ، چه سنتی و چه... باعث چنین حالتی شده است. همین دیروز بود که شنیدیم اسباب و اثاثیه ساختمان شماره دو خانه موسیقی به خیابان ریخته شده با همین چند وقت پیش بود که اعلام کردند ارکستر سمفونیک تهران در حال فروپاشی است. اگر در چنین موقعیتی دست به نوشتن چیزی دربار موسیقی می‌زنم بر اساس تقاضایی است که دوستان کردند و من نیز بر حسب وظیفه پس از نگاهی اجمالی به اثر دست به قلم می‌برم.

موسیقی پاپ ایرانی در سال‌های اخیر دچار نوعی درخودفرورفتگی شده است. عارضه‌ای که ریشه‌هایش را می‌توان به دو دهه پیش ارجاع داد. حضور و ورود سیستم‌ها و نرم‌افزارهای ساخت و تدوین صدا نیز نتوانست به هنرمندان موسیقی در زمینه خروج از این موقعیت کمک زیادی کند. دلیل این عدم توانایی در چیزی است که علم جامعه‌شناسی آن را «تاخیر فرهنگی» می‌نامد. به این معنی که یک دستیار سخته‌افزاری به سرعت وارد جغرافیایی بیگانه می‌شود اما از ایده‌هایی که باید در کنار آنها سخت‌افزار به تکمیل کلیت آنها بپردازد مغفول می‌ماند. این تاخیر فرهنگی در بسیاری از موارد به ده‌ها سال می‌رسد. پس ایده و ذهنیت در کنار ماده سخته‌افزاری است که به خلاقیت منجر می‌شود. در موسیقی پاپ معاصر ایرانی ما با چنین وضعیت تاخیر مواجه شدیم. یعنی بسیاری از لوازم و ادوات الکترونیک و نرم افزاری به‌راحتی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته اما هیچ ایده متفاوت و خلاقانه‌ای در آثار ارایه‌شده این عزیزان وجود ندارد. ایده در ساخت آهنگ، نوعی طرح‌ریزی ملودی و هارمونی‌های اصلی و فرعی و به‌خصوص در ریتم و فضای دینامیک یک قطعه خود را نشان می‌دهد. این نگاهی سنگین‌رانه نیست بلکه برعکس نگاهی است که به حداقل‌ها راضی می‌شود. در آلبوم «آخرین دیدار» اثر کامران عطا نیز با همین فقدان‌ها مواجه هستیم. اولین نکته مساله نوانس یا فاز و فرود ملودی و ریتم است. من در بسیاری از قطعات پاپ ایرانی با این کمبود مواجه شده‌ام. یعنی نوعی یکنواختی. یک خط مستقیم را بگیر برو جلو تا آخر ماجرا. هیچ وج و فرود در کار نیست. پس دینامیکی هم در کار نیست. بخشی دیگر از این فقدان دینامیکی به نبود خاس یا ضعیف بودن این خط که روح موسیقی است بازمی‌گردد. در اینجا به هیچ عنوان قصد ندارم به کارکن دیگر یک قطعه موسیقایی یعنی موزیک‌ایتنه، سنوورپته و استتیک (رزیایی) ببرازم. چون در همین اولین گام دچار مشکلات فراوانی هستیم. باز هم می‌گویم که این عوارض عمومی هستند و روی صحبت من تنها با عزیزان تهیه‌کننده و تنظیم‌کننده آلبوم مذکور نیست. این موارد از ابتدایی‌ترین مواردی است که یک قطعه ساده



موسیقی باید واجد آن باشد. اما چه چیز باعث فقدان ابتدایی‌ترین اصل ساخت یک آهنگ می‌شود؟ عدم اطلاع از مبانی آهنگسازی؟ عجله برای کاهش وقت و انرژی و سرمایه؟ جواب‌ها متعدد و مختلف هستند. اما اگر زاویه دید را کمی بچرخانیم با عرصه دیگری مواجه می‌شویم که آن هم مساله‌ای عمومی است: تمرکز بر ترانه و شعر. تمرکز بر همذات پنداری‌های ساده بین شاعر، خواننده و مخاطب در زمینه عشق، هجران، سرگشتگی، بیچارگی، دردبری، مصیبت و ... جالب اینجاست که با وجود این تمرکز بر ترانه و شعر در چند سال اخیر مخاطبان موسیقی پاپ ایرانی با نوعی سهل‌انگاری ترانه‌سرایان مواجه شده‌اند. ملودی و تنظیم‌ها در پاپ به درجه دوم تنزل یافته و آنچنان اهمیتی ندارند. یعنی صرفا به عنوان همراهی‌کننده (کومپانیمن) ترانه قلمداد می‌شوند. به همین دلیل کیفیت موسیقی سازها و تنظیم آن دچار این وضعیت شده است. تمرکز بر شعر توان و نفس موسیقی خاص را می‌گیرد و آن را تبدیل به چیزی دست دوم می‌کند. بحث بر سر بودن یا نبودن شعر در موسیقی نیست، بحث بر سر اشتغال جایگاه و تنزل درجه موسیقی است. اما نکته جالب در آلبوم آخرین دیدار پاپ، در سبک‌هایی است که آهنگساز و خواننده انتخاب کرده‌اند تا خود را در اشکال مختلف به تجربه بگذارند. نوعی آزمون و خطا که نتایجی هم در برداشته است، امیدوارم این روند آزمایشی در نهایت سبب ارتقای کیفیت کل موسیقی این خواننده جوان و دوستانش شود.

قفسه آهنگ

پخش دوم آلبوم «آخرین دیدار» به بازار آمد

شرق: با اتمام نسخه‌های پخش اول آلبوم «آخرین دیدار» از هفته گذشته پخش دوم این آلبوم در مراکز فرهنگی شروع شد. تقریبا تمامی ملودی‌های آلبوم «آخرین دیدار» از آن کامران عطا بوده و ملودی سه قطعه هم توسط پویا نیکپور، مهران خلیلی و امیرعباس حسن‌زاده ساخته شده است. پویا نیکپور (سه قطعه)، مهران خلیلی (سه قطعه)، امیرعباس حسن‌زاده (یک قطعه) و منوچهر صالحی (پنج قطعه) تنظیم‌کنندگان قطعات مختلف «آخرین دیدار» هستند. بابک ریاحی‌پور (گیتار)، بابک صفرنژاد (ساز دهنی)، علیرضا میرآقا (ترومپت)، فیروز ویتسلانو (گیتار)، بهنام حکیمی (بوزوکی)، مهران خلیلی (گیتار الکتریک و گیتار بیس)، پویانیکپور (پیانو) و منوچهر صالحی (سازهای الکترونیک) نوازندگان قطعات مختلف آلبوم بوده‌اند. ضمن اینکه عطا خودش گیتار برخی قطعات را زده است. آلبوم یک کلیپ تصویری هم دارد که فاطیما یثربی آن را ساخته و به لحاظ تصویربرداری در نوع خود بی‌نظیر است. تمامی ترانه‌های این آلبوم توسط پویا متابعان سروده شده و ضبط و مسترینگ آلبوم در استودیوی پاپ تحت نظر میلاد فرهودی انجام شده است؛ فرهودی به عنوان همخوان هم در کنار کامران عطا حضور داشته است.